

خشونت بین فردی و سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه:

مطالعه‌ای اجتماعی در دبیرستان‌های پسرانه نورآباد (لرستان)

مسعود گلچین،* علی حیدر حیدری**

چکیده

در این نوشتار خشونت بین فردی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه با استفاده از نظریه‌های سرمایه اجتماعی پاملا پکستون، جیمز کلمن، دارلن رایست و کوین فیتزپاتریک و نظریه پیوند اجتماعی هیرشی مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش روش تحقیق پیمایشی با نمونه‌ای ۳۴۰ نفره از دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر نورآباد لرستان بود که به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای مستقل از پرسش‌نامه خودساخته و در مورد متغیر وابسته از مقیاس CTS بهره گرفته شد.

نتایج نشان می‌دهد دانش‌آموزان مورد مطالعه بیشتر ساکن شهر هستند (۷۰/۶ درصد) تا روستا (۲۹/۲ درصد)، پدران بیشتر آن‌ها مشاغل یدی و تحصیلاتی تا حد دیپلم دارند، مادران فاقد شغل (خانه‌دار) و بی‌سواد هستند و سطح درآمد بیشتر خانواده‌های آن‌ها پایین است؛ ۶۱/۵ درصد پاسخگویان طی یک‌سال گذشته دارای رفتار خشونت‌آمیز به‌طور کلی (از ۱ تا ۳ بار و بیشتر) بوده‌اند؛ دو شاخص سرمایه اجتماعی خانوادگی و مدرسه‌ای از حیث توزیع درصدی (حدود ۴۸ درصد دارای سرمایه اجتماعی زیاد و خیلی زیاد و ۳۰ درصد کم و خیلی کم) و میزان رابطه با رفتار خشونت‌آمیز (ضریب همبستگی حدود ۰/۲۴-) با یکدیگر مشابهند؛ در نهایت چهار متغیر «تعلق به مدرسه»، «درآمد خانواده»، «اعتماد در مدرسه» و «حمایت خانوادگی» ۱۴ درصد از تغییرات خشونت بین فردی را تبیین می‌کنند. به این ترتیب، می‌توان گفت هر قدر سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه و اکثر مؤلفه‌های شاخص‌های مزبور بالاتر باشد، خشونت بین فردی دانش‌آموزان به‌طور کلی و نیز خشونت لفظی و خشونت فیزیکی ملایم و شدید آن‌ها کمتر خواهد بود و تقویت حس تعلق

* دانشیار دانشگاه خوارزمی msd_golchin@hotmail.com

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی ali.haidary59@gmail.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۲۰

مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۱: ۱۷۷-۲۱۲

دانش‌آموزان به مدرسه، افزایش اعتماد اجتماعی به یکدیگر و مدرسه و حمایت مناسب خانوادگی و رسیدگی بیشتر به وضعیت تربیتی دانش‌آموزان متعلق به خانواده‌های دارای درآمد متوسط و بالا احتمال ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز را توسط دانش‌آموزان پسر دبیرستانی کاهش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: خشونت بین‌فردی، خشونت لفظی، خشونت فیزیکی، سرمایه اجتماعی.

بیان مسئله

از جمله اشکال رایج پدیده خشونت علیه افراد یا خشونت بین‌فردی، مواردی از رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان با یکدیگر است. این پدیده که در مدارس و محیط‌های آموزشی یا مسیر خانه و مدرسه و محیط‌های عمومی کم و بیش قابل مشاهده است، با توجه به حساسیت‌های روانی و جسمی موجود در دوره نوجوانی و قرارداد داشتن نوجوانان در مسیر شکل‌گیری شخصیت و کسب بنیادهای رفتاری و اخلاقی برای سنین بزرگسالی‌شان آثار ناگوار روانی و جسمی کوتاه‌مدت و بلندمدتی را در بردارد.

خشونت بین‌فردی در میان دانش‌آموزان که در سنین نوجوانی شدت، تنوع و فراوانی بیشتری نشان می‌دهد، بر اساس مطالعات انجام‌شده بیشتر در میان پسران صورت‌نگران‌کننده و مخاطره‌آمیز به خود می‌گیرد (گزارش جهانی خشونت و سلامتی، ۲۰۰۰: ۲۶). این امر، هم به علت فزونی هیجان‌های پسران نسبت به دختران و به‌ویژه تفاوت کیفی هیجان‌های آن‌ها و هم به علت آزادی بیشتر و کنترل کمتر و احیاناً فرصت‌های اجتماعی مساعد و یادگیری اجتماعی اشکال گوناگون رفتار خشونت‌آمیز برای پسران در مقایسه با دختران، در پسران نوجوان بیشتر قابل مشاهده و حائز اهمیت است (گلچین، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

از مجموعه عواملی که می‌تواند در بروز یا تعدیل پدیده خشونت بین‌فردی مؤثر باشد می‌توان به متغیرهایی اشاره کرد که مفهوم سرمایه اجتماعی به‌خوبی آن‌ها را دربرمی‌گیرد. براساس دلالت‌ها و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مفهوم سرمایه اجتماعی، به نظر می‌رسد در جایی رفتارهای خشونت‌آمیز وجود دارد یا کسانی بیشتر به این‌گونه اعمال دست می‌زنند که در فضای خانواده یا محیط آموزشی و اجتماعی‌شان، پیوندهای اجتماعی، حرمت و احترام متقابل، اعتماد، مشارکت اجتماعی در نوعی نظام تقسیم‌کار منسجم یا فعالیت‌های گروهی و

عام‌المنفعه، همدلی، هماهنگی و رضایت متقابل از یکدیگر به‌طور محسوس و چشمگیر کمتر است (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴؛ علیوردی‌نیا و دیگران، ۱۳۸۷؛ زارعی، ۱۳۸۳). همچنین اگر فرد اساساً از ابتدا فاقد این‌گونه مؤلفه‌های حیاتی سرمایه اجتماعی و مهارت‌های ملازم آن در برقراری ارتباط، مذاکره و چانه‌زنی برای دست‌یافتن به هدف و حل مسئله باشد، یا امکان آگاهی و توانمندی لازم برای دست‌یابی به هدف را به صورت دیگری نیاموخته و در اختیار نداشته باشد و نتواند خواسته‌های خود را به تأخیر بیندازد و در صورت لزوم آن‌ها را با تجهیز منابع جایگزین اجتماعی برطرف سازد، به ساده‌ترین و کم‌ثمرترین راه که البته شیوه‌ای زیان‌بار است، یعنی اعمال خشونت، دست می‌زند (گلچین، ۱۳۸۴).

علاوه بر این، در جایی که نوعی بافت شبه‌سنتی و شبه‌عشایری وجود دارد (غلامعلی لواسانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ چلبی و عبداللہی، زمستان ۷۱ و بهار ۷۲)، پایگاه اقتصادی - اجتماعی اغلب افراد پایین است و معمولاً نه تنها آگاهی‌ها و مهارت‌های برقراری ارتباط و گفتگو برای حل مسئله و پرهیز از خشونت کمتر است، بلکه زمینه‌های مساعد اجتماعی و پدیده‌های رایج، بیشتر آموزنده و ورود به نزاع‌های فردی و جمعی است (نظیر جمعیت آماری این تحقیق یعنی شهرستان نورآباد استان لرستان)^۱؛ بنابراین، بررسی علمی پدیده خشونت بین فردی از حساسیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

چنین پیداست که میزان سرمایه اجتماعی خانوادگی، مدرسه‌ای، محله‌ای و کلی جامعه از جمله متغیرهای مناسب برای تبیین و پیش‌بینی رفتار خشونت‌آمیز است (رایت و فیتزپاتریک، ۲۰۰۶؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷).

بر اساس آنچه گفته شد، در این مطالعه مسئله اصلی تحقیق حول نسبت میان سرمایه اجتماعی و خشونت بین فردی دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهرستان نورآباد لرستان متمرکز

^۱ این شهرستان در غرب استان لرستان واقع شده است و بالغ بر ۱۵۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد، دوسوم جمعیت آن در مناطق روستایی و مابقی در شهرستان نورآباد زندگی می‌کنند که تنها سکونتگاه شهری و مرکز شهرستان است. بافت اجتماعی شهرستان از ساختار قومی - قبیله‌ای برخوردار است. بر اساس برخی گزارش‌ها، در این منطقه در سال ۱۳۸۷ خشونت و نزاع دسته‌جمعی بیشترین نرخ وقوع را نسبت به سایر جرائم ثبت شده داشته است (آمار و اطلاعات منتشرشده نیروی انتظامی شهرستان دلفان).

است.^۱ به این ترتیب، پرسش‌های تحقیق در سطح توصیفی به میزان خشونت بین فردی و سرمایه اجتماعی خانوادگی و مدرسه‌ای دانش‌آموزان و در سطح تحلیلی به چگونگی رابطه سرمایه اجتماعی خانوادگی و مدرسه‌ای دانش‌آموزان با میزان و نوع خشونت بین فردی‌شان و تمایز میان نحوه تأثیرگذاری دو نوع سرمایه بر متغیر وابسته تحقیق مربوط می‌شود.

پیشینه تحقیق

رایت و فیتزپاتریک (۲۰۰۶) به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی در خانواده، مدرسه و محله با رفتار خشونت‌آمیز پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد جنسیت و سن با رفتار خشونت‌آمیز رابطه معنادار منفی دارند و از بین متغیرهای مستقل، روابط بین والدین و فرزندان، مراقبت والدین، احساس تعلق به مدرسه، مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، مشارکت در برنامه‌های آموزشی و اجتماعی و شرکت در مراسم مذهبی با رفتار خشونت‌آمیز دارای رابطه معنادار هستند. این متغیرها مجموعاً ۱۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی تقریباً ۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

نتایج تحقیق آمبرز لانگ و استفان فریز (۲۰۰۸) درباره خشونت تجربه‌شده نوجوانان کانادایی حاکی از آن است که پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر خانواده، زندگی بدون یکی از والدین، داشتن والدینی با سطح تحصیلات پایین، وقوف به اینکه والدین در گذشته مرتکب جرم شده‌اند و پیوستن به گروه‌های خلافکار همگی احتمال خشونت جوانان را افزایش می‌دهند (لانگ و فریز، ۲۰۰۸).

امین زارعی در تحقیقی (۱۳۸۳) که در قالب پایان‌نامه با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر خشونت دانش‌آموزان دبیرستانی در شهر تهران» انجام داده، خشونت را در سه سطح لفظی، فیزیکی ملایم و شدید بررسی کرده است. برخی از نتایج به‌دست آمده در این پژوهش عبارت است از: ۱. میزان خشونت لفظی دانش‌آموزان در حد بالا و خشونت فیزیکی ملایم و شدید در حد پایین است. ۲. براساس نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره، داشتن دوستان بزهکار، تماشاگر

^۱ شایان ذکر است، انتخاب شهرستان نورآباد لرستان برای انجام مطالعه، از جمله به‌خاطر تعلق یکی از محققان به منطقه مزبور و تجربه تدریس در مدارس بسراشته این شهرستان و مشاهده پدیده خشونت بین فردی در این مدارس از نزدیک بوده است که علاقه‌مندی و انگیزه لازم برای اجرای این مطالعه را در آن منطقه فراهم کرد.

خشونت بودن، عدم پابندی به دستورات اخلاقی، تنبیه در مدرسه، ناکامی، کاهش نظارت والدین، سخت گیری والدین و عدم دلبستگی به والدین تأثیر معناداری بر خشونت دانش آموزان داشته‌اند. از این میان، متغیر داشتن دوستان بزهکار بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است. ۳. برحسب تحلیل مسیر انجام شده، متغیرهای کاهش همبستگی اجتماعی محله، احساس بی عدالتی اجتماعی، بد رفتاری والدین با فرزندان، تضاد والدین با هم، سخت گیری والدین و پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین به طور غیرمستقیم بر خشونت مؤثر بوده‌اند. عوامل سطح فردی از قبیل داشتن دوستان بزهکار، قرار گرفتن در معرض خشونت و عدم پابندی به دستورات اخلاقی در مقایسه با دیگر عوامل خانوادگی و اجتماعی تأثیر بیشتری بر خشونت دانش آموزان داشته‌اند.

علی‌وردی‌نیا و همکارانش (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری پرداخته‌اند. این پژوهش به صورت پیمایشی، از طریق پرسش‌نامه خود اجرا و در بین ۴۱۰ نفر از دانش آموزان سال سوم شهر سنندج که در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ مشغول به تحصیل بوده‌اند، انجام شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که:

۱. میانگین بزهکاری گزارش شده توسط پسران بیشتر از میانگین بزهکاری دختران است.
۲. در مجموع، دو متغیر صمیمیت اعضا و حمایت خانواده با بزهکاری به طور کل و دو متغیر آگاهی والدین و عضویت والدین در نهادها با متغیر بزهکاری دختران رابطه معناداری داشته‌اند.
۳. چهار متغیر سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری درون و بیرون خانواده با متغیر بزهکاری دختران و پسران رابطه داشته‌اند.

غلامعلی لواسانی و همکارانش تحقیقی را با عنوان فراوانی و علل رفتارهای خشونت آمیز در مدارس دوره راهنمایی لرستان از دیدگاه معلمان، معاونان و دانش آموزان انجام داده‌اند. جمعیت نمونه این پژوهش شامل ۳۸۴ دانش آموز، ۱۳۴ معلم و ۳۵ معاون از مدارس سه شهر بروجرد، خرم‌آباد و پلدختر انتخاب شدند. نتایج نشان داد دانش آموزان پسر میزان خشونت کلامی و بدنی در مدرسه را به صورت معنادار بیشتر از دختران گزارش می‌کنند. همچنین مقایسه سه گروه حاکی از آن بود که معلمان و معاونان مدارس به ویژه بر اهمیت عوامل فردی،

خانوادگی و اجتماعی در بروز خشونت در مدرسه بیش از دانش آموزان تأکید می‌کنند. مرور پژوهش‌های یادشده نتایج زیر را حاصل می‌سازد:

۱. بیشتر بودن میزان بزهکاری و خشونت بین فردی در میان دانش آموزان پسر دبیرستانی نسبت به دانش آموزان دختر ۲. بیشتر بودن میزان خشونت بین فردی از نوع لفظی نسبت به خشونت فیزیکی ملایم و شدید ۳. وجود تأثیر یا دست کم رابطه مثبت میان برخی از مؤلفه‌های خانوادگی و مدرسه‌ای در کاهش یا افزایش رفتار خشونت‌آمیز دانش آموزان که عمدتاً به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از جمله مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی خانوادگی و مدرسه‌ای به حساب می‌آیند. مانند بدرفتاری والدین با فرزندان، تضاد والدین با هم، سخت‌گیری والدین، کاهش نظارت والدین و عدم دلبستگی به والدین (با سرمایه اجتماعی خانوادگی) و عدم پابندی به دستورات اخلاقی، تنبیه در مدرسه، ناکامی، احساس عدم تعلق به مدرسه (سرمایه اجتماعی مدرسه‌ای).

پژوهش حاضر از حیث توجه همزمان مقایسه‌ای به دو متغیر سرمایه اجتماعی خانوادگی و مدرسه‌ای و داشتن نگاه صریح‌تر و جامع‌تر به سرمایه اجتماعی خانوادگی و تلفیق دو نظریه سرمایه و کنترل اجتماعی برای توضیح نوع و میزان رفتار خشونت‌آمیز پسران دبیرستانی با مطالعات دیگر به‌ویژه پژوهش‌های داخلی، که تاکنون به صورت یادشده به این موضوع نپرداخته‌اند، تمایز می‌یابد.

چارچوب نظری

در این نوشتار از برخی آرای پاملا پکستون و نظریه‌های جیمز کلمن، دارلن رایت و کوین فیتزپاتریک و نزدیک‌ترین نظریه کجروی اجتماعی که دارای مضامین مشابه و متجانس با مفهوم و ماهیت سرمایه اجتماعی است و با سطح تحلیل موردنظر این مقاله، یعنی سطح خرد (رفتار خشونت‌آمیز دانش آموزان) و ارتباط آن با سطح میانی تحلیل (سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه) سازگارتر است (یعنی نظریه کنترل یا پیوند اجتماعی تراویس هیرشی)، استفاده شده است.

۱. نظریه سرمایه اجتماعی

پاملا پکستون

پکستون سرمایه اجتماعی را آن دسته از روابط اجتماعی می‌داند که می‌توانند به تولید کالای مادی و غیرمادی کمک کنند. او معتقد است سرمایه اجتماعی دو بعد را شامل می‌شود: روابط عینی (مشهود) میان افراد از یک سو و پیوندهای ذهنی میان همان افراد از سوی دیگر. تعریفی که پکستون مطرح می‌کند هم بعد عینی (مشهود) روابط بین افراد را که کلمن بر آن تأکید می‌کند دربرمی‌گیرد و هم نظریه ذهنی بوردیو را که مبتنی بر اعتماد است شامل می‌شود (چلبی، ۱۳۸۴: ۵).

به این ترتیب مفهوم سرمایه اجتماعی در نظر پکستون دارای دو جزء اعتماد^۱ و پیوند^۲ است. به نظر وی، سرمایه اجتماعی در جامعه زمانی افزایش می‌یابد که میزان این دو مؤلفه بالا باشد. پکستون در عملیاتی کردن مفهوم سرمایه اجتماعی به دو بعد کلی پرداخته است: ۱. پیوندهای عینی (مشهود) بین افراد که مشارکت رسمی (عضویت گروهی) و مشارکت غیر رسمی (رفت و آمد با همسایگان و دوستان) را شامل می‌شود. ۲. پیوندهای ذهنی بین افراد که بیشتر دربرگیرنده موارد زیر است:

- باور به اینکه مردم چقدر قابل اعتماد، صدیق، یار و کمک‌کار یکدیگرند.

- اعتماد به نهادها از جمله، آموزش و پرورش، نهادهای اجرایی، قانون‌گذاری و دینی (پکستون، ۱۹۹۹: ۱۰۶ - ۹۳ به نقل از فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۶۳).

جیمز کلمن

کلمن بر سرمایه اجتماعی درون خانواده و خارج از آن تأکید می‌کند. به اعتقاد وی، سرمایه اجتماعی درون خانواده به دو عامل حضور فیزیکی بزرگسالان در خانواده و وجود رابطه قوی بین فرزندان و والدین مربوط می‌شود. عدم حضور فیزیکی والدین ممکن است باعث کمبود ساختاری سرمایه اجتماعی در خانواده شود، این امر می‌تواند به حضور فرزندان در اجتماعات

¹ Trust

² Association

جوانان بزهکار و ارتباط والدین با بزرگسالان دیگر و در نهایت کاهش سرمایه اجتماعی در درون خانواده منجر شود. البته برخورداری از سرمایه اجتماعی بیرون از خانواده برای رشد افرادی که منحصراً درون خانواده سکونت ندارند لازم است. کلمن سرمایه اجتماعی خارج از خانواده را شامل داشتن روابط اجتماعی با دوستان، هم کلاسی‌ها، همسایگان و اطرافیان می‌داند (مبارکی، ۱۳۸۳: ۲۶ - ۲۵).

به گفته جان پل رایت و همکارانش^۱ (۲۰۰۱: ۸) کلمن «سه مکانیسم را ذکر کرده که از طریق آن خانواده‌ها سرمایه اجتماعی را انباشته می‌کنند و انتقال می‌دهند: ۱. از طریق تلاش و زمانی که توسط والدین برای فرزندان صرف می‌شود. ۲. از طریق پیوندهای مؤثر بین والدین و فرزندان ۳. از طریق توضیحات و رهنمودهایی که والدین به طور واضح و گویا درباره رفتارهای قابل قبول و غیرقابل قبول فرزندان‌شان برای آن‌ها اظهار می‌کنند.

در باب سازوکارهای مزبور نخست کلمن در تحلیل‌هایش نمونه‌هایی را از اینکه چگونه شدت و تراکم تعامل‌های والدین و فرزندان می‌تواند به رشد ذهنی و اجتماعی آن‌ها کمک کند ارائه می‌دهد. عامل مهمی که کلمن بر آن تأکید کرده، عبارت است از میزان وقت و کوششی که والدین برای فرزندان (به‌مثابه نوعی سرمایه‌گذاری) صرف می‌کنند. (برای نمونه گفتگو با آن‌ها یا کار کردن با آن‌ها در مورد تکالیف درسی‌شان). وی همچنین به این نکته اشاره می‌کند که در جوامع امروزی تغییرات ساختاری خانواده موجب شده است که والدین وقت اندکی برای صرف کردن با فرزندان‌شان داشته باشند؛ ممکن است به‌خاطر اشتغالات کاری‌شان به‌طور فیزیکی در خانواده غایب باشند یا آنکه از حیث روانی در خانواده حضور و فعالیت خاصی نداشته باشند.

دوم، در خانواده‌هایی که دارای سرمایه اجتماعی بالاتری هستند و از این حیث از دیگر خانواده‌ها متمایزند، هدف نهایی از صرف وقت و انرژی برای کودکان ایجاد افرادی است که از حیث اجتماعی توانمند، از لحاظ روانی سازگار و از حیث رفتاری دارای سلوکی مناسب و پسندیده باشند. بر اساس آنچه آماتو، بوث (۱۹۹۷) و کلمن (۱۹۹۰) اشاره کرده‌اند، یکی از سازوکارهای مورد استفاده در خانواده‌ها برای دست‌یافتن به این هدف، پایه‌ریزی و تداوم تماس‌های عاطفی با فرزندان است. از این رو، بخشی از بازده کوتاه‌مدت و بلندمدت ناشی از

^۱ John Paul Wright, Francis T. Cullen & Jeremy T. Miller

سرمایه گذاری خانواده، پیوندهای عاطفی است که از طریق تعامل های حمایتی خانواده به سرعت تقویت می شود. در نظر کلمن، پیوندها و تعلقات قوی به مثابه مجرا یا بستری عمل می کند که در آن اجتماعی شدن مؤثر و کارآمد محقق می شود. بدین معنی که در جریان چنین اجتماعی شدنی، ارزش های همنا بیان و قواعد رفتاری درک می شوند.

سوم، محتوای رفتارهای اجتماعی کننده خانواده حائز اهمیت است. همان گونه که هاگان و مک کارتی (b1997) اشاره می کنند، گونه های معینی از سرمایه ممکن است حقیقتاً فعالیت های مجرمانه ای را تسهیل کنند، همچون داشتن ارزش های ضداجتماعی یا همسالان بزهکار. از طرف دیگر، کلمن اشاره می کند که ارزش های اخلاقی قوی مخالف رفتارهای لذت طلبانه، نقش مهمی در محدود ساختن آن دسته از کردارهای فردی ایفا می کنند که موجب تهدید مناسبات و سرمایه گذاری های خانوادگی بلندمدت می شوند. از دیدگاه او، والدین بازدارنده های اخلاقی معینی را بر ضد رفتارهای هنجارشکنانه از طریق قواعد ارتباطی روشن ایجاد می کنند. این قواعد می تواند ممنوع کننده کردارهایی باشد که از نظر والدین بالقوه زیان بخش به نظر می رسند. تصادفاً سایر نظریه پردازان نیز یادآور شده اند که لازم است والدین رفتارهای اجتماعی فرزندان جوانشان را شناسایی کرده و کردارهای احتمالی مخرب و مخل آن ها را تأیید نکنند (پاترسون و استوئامر، ۱۹۸۴؛ گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰).

در مجموع، کلمن استدلال می کند که سرمایه گذاری والدین از طریق صرف زمان و کوشش برای فرزندان، پیوندهای مؤثری که توسط آن ها ایجاد می شود و تداوم می یابد و راهنمایی های مبتنی بر ارزش ها و قواعد یا هنجارهای اجتماعی که از سوی آن ها به فرزندان ارائه می شود، همگی، این احتمال را که فرزندان تحت تأثیر حمایت های جوانان دیگر وارد فعالیت های بزهکارانه شوند یا جذب گروه های همسالان خلافکار و ضداجتماعی گردند پایین می آورد. بنابراین، برای کلمن تأثیر سرمایه اجتماعی خانوادگی، کلی و فزاینده است، بدین معنی که سرمایه اجتماعی خانوادگی بسیاری از ابعاد و جنبه های رشد فرزندان را تحت تأثیر قرار می دهد. به طوری که سودمندی این سرمایه گذاری در سراسر زندگی شان به شکل گران بار و رو به افزایش مشهود خواهد بود» (پارسل و منگهان، ۱۹۹۴؛ رایت و همکارانش، ۲۰۰۱: ۲-۳).

دارلن رایت و کوین فیتزپاتریک

رایت و فیتزپاتریک سرمایه اجتماعی در خانواده را شبکه‌های حمایت خانوادگی، صمیمیت، نزدیکی و پیوندهای غیررسمی اعضای خانواده با همدیگر تعریف کرده‌اند که میزان مشارکت دوجانبه، اعتماد، آگاهی و نظارت را افزایش می‌دهد (۲۰۰۶: ۱۴۳۷). درست است که فرزندان از سرمایه انسانی در تملک والدین قویاً تأثیر می‌پذیرند، اما اگر پدر و مادرها بخش مهمی از زندگی فرزندان خود نباشند و اگر این سرمایه انسانی منحصراً در محل کار یا در جای دیگر به کار رود ممکن است در رفتار فرزندان در مدرسه تأثیرگذار نباشد. سرمایه اجتماعی خانواده روابطی است که بین فرزندان و اولیای آنان (و اگر خانواده شامل اعضای دیگری نیز باشد، بین آنان و فرزندان در خانواده) برقرار است (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۷۳).

همچنین، رایت و فیتزپاتریک سرمایه اجتماعی در مدرسه را پیوندهای نوجوانان با همدیگر، دلبستگی و احساس تعلق خاطر آن‌ها به مدرسه و میزان مشارکتشان در انجمن‌های اجتماعی، آموزشی، هنری و ورزشی در مدرسه می‌دانند (رایت و فیتزپاتریک، ۲۰۰۶: ۱۴۳۷). از مدرسه به عنوان خانه دوم یاد می‌شود. قریب به اتفاق دانش‌آموزان با ورود به سن تحصیل وارد مدرسه می‌شوند و بعد از محیط خانواده بیشترین وقت خود را در مدرسه می‌گذرانند. محیط مدرسه تأثیر بدیهی و انکارناپذیری بر آینده تحصیلی، شغلی و به‌طور کلی همه جنبه‌های زندگی کودکان و نوجوانان دارد. مدرسه نهادی اجتماعی است که در آن دانش‌آموزانی از خانواده‌های متعلق به خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های قومی و فرهنگی مختلف در کنار هم مشغول به تحصیل هستند. البته با توجه به اینکه در شهرهای مدرن و صنعتی خانواده‌ها در محلات مختلف، متناسب با پایگاه اقتصادی - اجتماعی شان ساکن می‌شوند و در هر مدرسه، عمدتاً دانش‌آموزان ساکن در همان محلات ثبت نام می‌کنند، از دامنه تفاوت‌ها کاسته می‌شود. با این حال، مدرسه مجرای برای ورود به اجتماع کلی است.

«مدرسه (به عنوان محیط آموزشی و اجتماعی) فرصت‌ها و امکاناتی را برای سرمایه اجتماعی فراهم می‌آورد که مستقیم یا غیرمستقیم از طریق این منابع قابل دسترس بر رفتار دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. عوامل و کارگزاران سرمایه اجتماعی در مدرسه متقابلاً بین نوجوانان و تجارب مدرسه‌ای‌شان پیوند ایجاد می‌کنند و از جمله در آن‌ها میزان معینی از تعلق دانش‌آموزان به مدرسه را پدید می‌آورند.

مدرسه برای بسیاری از نوجوانان (در مسیر رشد آموزشی و اجتماعی‌شان) به‌عنوان مانع یا سد مهمی است که اغلب به علت شکست در رعایت الزامات و معیارهای رفتاری و تحصیلی، به صورت چالشی ناخوشایند درمی‌آید. این وضعیت دشوار و ناخوشایند به ناکامی، فقدان اعتماد و عزت نفس، انزوا و رفتار خشونت‌آمیز منجر می‌شود. چنین دانش‌آموزانی ممکن است در برآوردن خواسته‌های معلمانشان مشکل داشته باشند و به علت احساس ناکارایی، تنهایی و آسیب‌پذیری از طریق سرپیچی و رفتارهای مبارزه‌جویانه، خود را از نظر هیجانی تخلیه کنند. علاوه بر این، موفقیت‌های اجتماعی و تحصیلی برای دانش‌آموزان به‌عنوان منابعی تأثیرگذار عمل می‌کنند. زیرا این موفقیت‌ها راه‌هایی را برای مشارکت‌های گروهی بهنجار و درک درستی از احساس تعلق باز می‌کنند» (رایت و فیتزپاتریک، ۲۰۰۶: ۱۴۳۷).

«هاگان و مک‌کارتی (۱۹۹۷) تأکید می‌کنند که مدرسه جزء مهمی از شبکه نهاد‌های اجتماعی به‌شمار می‌آید که در درون آن سرمایه اجتماعی تولید می‌شود. حقیقت آنکه در پرتو انگاره سرمایه اجتماعی، مدرسه زمینه‌ای در نظر گرفته شده است که در درون آن روابط و مناسباتی که برای سازگاری دانش‌آموزان مهم است توسعه می‌یابد، همان‌گونه که روابطی وجود دارد که والدین و معلمان را نیز با یکدیگر درگیر و مرتبط می‌سازد» (گاتی و ترمبلی، ۲۰۰۷: ۲۴۰).

«در صورتی که مدرسه نتواند آن دسته از کارکردهای خود را که با سرمایه اجتماعی ارتباط دارند (اجتماعی کردن مناسب و تقویت پیوندهای میان افراد) به‌خوبی ایفا کند، جلوه‌های این کج‌کارکردی می‌تواند شامل این موارد باشد: نقصان در هویت‌یابی، کمبود احساس پیوند با دیگران، ضعف در دوستی با دیگر دانش‌آموزان یا به‌طور کل شکست در همبستگی با محیط آموزشی. چنین دانش‌آموزان سرخورده‌ای ممکن است دارای پیش‌داوری‌ها یا قضاوت‌های غیرواقعی، رفتارهای نادرست و نظایر آن باشند. در عوض، مطالعات نشان می‌دهند آن دسته از دانش‌آموزانی که احساس می‌کنند مورد توجه و مراقبت آموزگاران و هم‌سالان خود قرار می‌گیرند، کمتر احتمال دارد که به رفتارهای خشونت‌بار دست بزنند. آن‌ها از تمایلات پرخاشگرانه که آشکارا به تجاوز و حمله به دیگران منجر می‌شود و از درونی کردن تفسیرهایی که انزوا و آسیب‌پذیری را افزایش می‌دهد در امان

می‌مانند. به‌طور خلاصه، نوجوانان منزوی به‌مراتب از امکان دسترسی به سرمایه اجتماعی مهمی که در مناسبات سازنده میان افراد نهفته است محروم می‌مانند و این وضعیت آن‌ها را در معرض خطر بیشتری برای درگیر شدن با کردارهای خشونت‌آمیز قرار می‌دهد» (رایت و فیتزپاتریک، ۲۰۰۶: ۱۴۳۸).

بایس (۱۹۹۷)، به نقل از گاتی و ترمبلی، ۲۰۰۷: ۲۴۰) دریافت که کمبود سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه به ایجاد رفتار ضداجتماعی یا قرار گرفتن در آستانه اقدام به این‌گونه رفتارها در تعدادی از دانش‌آموزان منجر می‌شود.

سرانجام باید گفت «فعالیت‌های دسته‌جمعی در مدرسه منابع حمایتی نوجوانان قلمداد می‌شوند. گروه‌ها، باشگاه‌ها و تیم‌های وابسته به محیط آموزشی می‌توانند احساس پیوستگی و تعلق و همکاری را با سایر دانش‌آموزان و مسئولان مدرسه برانگیزند. تأثیرات سودمند عضویت در این گروه‌ها (و فعالیت‌های جمعی) می‌تواند تا حدی شالوده‌های منابع سازنده سرمایه اجتماعی محسوب شود، حال آنکه انفعال (دوری از فعالیت‌های جمعی) نتایج مخربی به بار خواهد آورد. از این طریق، مشارکت در فعالیت‌های یادشده جایگزین نفوذ همسالان و اجتماعی شدن غیرسازنده، نظارت‌نشده و اغلب مضر می‌شود. در بسیاری از موارد، انتخاب اولیه فرد برای مشارکت در فعالیت‌های جمعی سالم (تحت حمایت مدرسه) یا پیوستن به فعالیت‌های جمعی انحرافی (مانند ورود به دسته‌های خلافکار) و مبادرت به رفتارهای کجروانه (مانند استفاده از مواد مضر همچون مشروبات الکلی) احتمال ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز را معین می‌سازد» (رایت و فیتزپاتریک، ۲۰۰۶: ۱۴۳۸).

در مجموع، می‌توان گفت سرمایه اجتماعی خانوادگی شامل پیوندهای عینی (مشهود)، روابط غیررسمی بین اعضای خانواده و همچنین پنداشت و درک افراد خانواده از میزان روابط و حمایت‌هایی است که اعضای خانواده به یکدیگر دارند و سرمایه اجتماعی مدرسه‌ای شامل اعتماد، مشارکت در روابط رسمی و غیررسمی بین اعضای مدرسه و میزان تعلق خاطر و پیوندهای ذهنی شاگردان به اعضا و محیط کلی مدرسه است که می‌تواند به نوعی احساس تعلق، حمایت و توجه از یک سو و مراقبت یا نظارت متقابل و جمعی از دیگر سو منجر شود.

۲. نظریه انحراف اجتماعی

تراویس هیرشی

هیرشی معتقد است کژرفتاری زمانی روی می‌دهد که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف یا گسسته شده باشد. او علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آن‌ها دانسته و معتقد است پیوند میان فرد و جامعه مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل کنترل رفتارهای فردی است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کجرفتاری است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۲).

هیرشی چهار عامل: ۱. وابستگی یا تعلق^۱، ۲. تعهد^۲، ۳. مشغولیت یا مشارکت^۳ در فعالیت‌های اجتماعی سازنده و ۴. داشتن باورهای^۴ اجتماعی مناسب را از عناصر مهم پیوند فرد و جامعه می‌داند (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۲۲-۱۲۰). سرمایه اجتماعی با نظم اجتماعی متناظر است. افزایش آن مبین تقویت نظم و کاهش آن حاکی از وجود انحرافات و افزایش رفتار خشونت‌آمیز در بین نوجوانان است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۲۴۵). «کنترل اجتماعی و پیوندهای اجتماعی عناصر کلیدی سرمایه اجتماعی هستند، آن‌ها همچنین از عناصر ضروری در نظریه پیوند اجتماعی هیرشی (۱۹۶۹) و نظریه رتبه‌بندی کنترل اجتماعی غیررسمی (سامپسون و لوب، ۱۹۹۳ به نقل از سلمی و کیویوری، ۲۰۰۶: ۱۲۶) به‌شمار می‌روند. بر این اساس، هیرشی اعتقاد داشت که رفتارهای بزهکارانه نتیجه ضعیف شدن ارتباط افراد یا قطع آن با جامعه است، زمانی که پیوندهای فرد با دیگر اعضای اجتماع قوی است فرد کنترل خواهد شد در نتیجه کمتر امکان دارد که قانون را نقض کند (هیرشی، ۱۹۶۹: ۱۶، به نقل از سلمی و کیویوری، ۲۰۰۶: ۱۲). سامپسون و لوب (۱۹۹۳) با اندیشه هیرشی موافق هستند، اما معتقدند پیوندهای اجتماعی در مراحل مختلف زندگی تغییر می‌کنند. به‌طوری که در دوره نوجوانی چگونگی پیوند با خانواده، مدرسه و گروه هم‌سالان مهم‌ترین تأثیرات را بر رفتار افراد یا نوجوانان برجای می‌گذارد. ولی در مراحل بالاتر اموری مانند ازدواج و یافتن شغل پایدار

¹ Attachment

² Commitment

³ Involvement

⁴ Belief

به‌عنوان نقطه عطف و راهنمایی در جهت کنترل روابط افراد در مواجهه با رفتار بزهکارانه مؤثر واقع می‌شوند» (سلمی و کیویوری، ۲۰۰۶: ۱۲۶).

در این پژوهش، بر اساس آنچه گفته شد، خشونت بین‌فردی در میان پسران دانش‌آموز دبیرستانی به‌عنوان رفتاری آسیب‌زا و انحرافی اجتماعی با توجه به میزان سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان در خانواده و مدرسه آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. متناسب با نظریه پکستون، کلمن و رایت و فیتزپاتریک سرمایه اجتماعی خانوادگی شامل این اجزا است: میزان و کیفیت روابط خانوادگی برحسب درک و گزارش نوجوانان، میزان حمایت خانوادگی بر اساس دریافت فرزندان نوجوان، میزان رضایت نوجوانان از روابط خانوادگی، چگونگی آگاهی و توجه والدین و نوع و میزان انتظار والدین از رفتارهای اجتماعی فرزند نوجوانشان. به همین ترتیب، سرمایه اجتماعی مدرسه‌ای مطابق با نظریه پکستون، رایت، فیتزپاتریک و هیرشی عبارت است از: کمیت و کیفیت روابط درون مدرسه از نظر دانش‌آموزان نوجوان، میزان اعتماد دانش‌آموزان به مدرسه و محیط آموزشی، چگونگی نظارت و کنترل در مدرسه، میزان احساس تعلق دانش‌آموزان نوجوان به مدرسه و محیط آموزشی و میزان و نحوه مشارکت دانش‌آموزان نوجوان در کانون‌ها و فعالیت‌های جمعی در محیط آموزشی.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین سرمایه اجتماعی در خانواده و میزان خشونت بین‌فردی و ابعاد آن رابطه وجود دارد به طوری که هرچه شاخص کلی سرمایه اجتماعی در خانواده یا هر یک از مؤلفه‌های آن (شامل روابط بین اعضای خانواده، حمایت خانوادگی، رضایت از روابط خانوادگی، آگاهی و توجه والدین و انتظارات والدین از رفتارهای اجتماعی فرزندان) بیشتر باشد، میزان رفتارهای خشونت‌آمیز پاسخگویان کمتر خواهد بود.

۲. بین سرمایه اجتماعی در مدرسه و میزان خشونت بین‌فردی و ابعاد آن رابطه وجود دارد به طوری که هرچه شاخص کلی سرمایه اجتماعی در مدرسه یا هر یک از مؤلفه‌های آن (شامل روابط و تعاملات درون مدرسه، اعتماد درون مدرسه، کنترل و نظارت مدرسه، احساس تعلق و دلبستگی به مدرسه و مشارکت در فعالیت‌های جمعی مدرسه) بیشتر باشد، میزان رفتارهای خشونت‌آمیز پاسخگویان کمتر خواهد بود.

۳. به نظر می‌رسد به علت همگونی و تجانس کلی سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه، تفاوت چندانی میان تأثیر یا میزان همبستگی سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان در خانواده و مدرسه با میزان خشونت بین فردی آن‌ها بجز در مورد بعضی از مؤلفه‌های فرعی این شاخص‌ها وجود نداشته باشد.

روش‌شناسی

روش تحقیق و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها

متناسب با پرسش‌ها، اهداف، فرضیه‌ها و با توجه به مقتضیات مرتبط با مفاهیم اصلی و مدل تحقیق، این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده است.

برای جمع‌آوری داده‌ها درباره متغیرهای زمینه‌ای و مستقل از پرسش‌نامه محقق ساخته و در مورد متغیر وابسته از مقیاس سی تی اس^۱ استفاده شد. مقیاس سی تی اس اولین بار توسط اشتراوس به کار گرفته شده است. این مقیاس، به شرحی که خواهد آمد، در بردارنده پرسش‌هایی در مورد انواع خشونت است با طیفی هفت درجه‌ای که دامنه پاسخ آن از «هرگز» تا «بیش از بیست بار» گسترده شده و محدوده زمانی مورد پرسش یک سال است. به طوری که از فرد پرسیده می‌شود اقدام مورد سؤال را در طول یک سال گذشته چندبار انجام داده است (جلبی، ۱۳۸۱: ۴۰ - ۳۹).

جمعیت آماری و حجم نمونه

جمعیت آماری این تحقیق شامل دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر نورآباد (لرستان) است که در سال ۸۹ - ۱۳۸۸ مشغول به تحصیل بوده‌اند. تعداد این دانش‌آموزان، طبق آمار اداره آموزش و پرورش، ۳۰۱۴ نفر بود که از این میان بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۴۰ دانش‌آموز از همه آموزشگاه‌های دوازده گانه شهر به روش تصادفی سیستماتیک و با استفاده از دفتر آمار آموزشگاه‌ها انتخاب شدند و به سؤالات پرسش‌نامه تحقیق پاسخ دادند.

¹ Conflict Tactics Scale (CTS)

تعریف مفاهیم

سرمایه اجتماعی بر اشکالی از روابط و ارتباطات دلالت دارد که از طریق پیوندهای رسمی و غیررسمی با اعضای خانواده، دوستان، مدرسه و افراد اجتماع به دست می آید. شبکه‌های روابط و پیوندهای اجتماعی، چارچوب هنجاری و منبعی برای رفتارها فراهم می آورند (رایت و فیتزپاتریک، ۲۰۰۶: ۱۴۴۰).

درخصوص دانش آموزان، سرمایه اجتماعی شامل امکانات و منابع اجتماعی است که در مدرسه، خانواده یا اجتماع به آنها دسترسی دارند. در این تحقیق سرمایه اجتماعی دانش آموزان در دو نهاد خانواده و مدرسه در نظر گرفته شده که به وسیله مؤلفه‌های زیر عملیاتی و سنجیده شده است:

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی خانوادگی عبارت‌اند از: روابط بین اعضای خانواده؛ حمایت خانوادگی؛ رضایت از روابط خانوادگی؛ آگاهی و توجه والدین؛ و انتظارات و نگرش والدین درباره رفتارهای اجتماعی فرزندانشان. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مدرسه‌ای عبارت‌اند از: روابط و تعاملات درون مدرسه؛ مشارکت در فعالیت‌های جمعی مدرسه؛ احساس تعلق و دلبستگی به مدرسه؛ اعتماد درون مدرسه؛ کنترل و نظارت در مدرسه.

خشونت بین فردی کاربرد عمدی قدرت یا نیروی فیزیکی تهدیدآمیز به استفاده از زور یا اعمال واقعی آن علیه خود، شخص، گروه یا اجتماعی دیگر است که احتمالاً منجر به جراحت، مرگ یا بروز آثار منفی روانی و اجتماعی مانند رشد ناقص و ایجاد محرومیت شود (گزارش جهانی خشونت و بهداشت، ۲۰۰۲: ۵).

همان‌طور که قبلاً گفته شد، برای سنجش خشونت از گویه‌های مقیاس CTS که خشونت را به سه بعد خشونت لفظی^۱ (پرخاشگری لفظی)، خشونت فیزیکی ملایم^۲ و خشونت فیزیکی شدید^۳ تقسیم کرده (شامل ۲۱ گویه) استفاده شده است. این شاخص در پایان‌نامه زارعی با ضریب آلفای ۰/۹۳ مورد سنجش قرار گرفته است (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

^۱ Verbal violence

^۲ Minor physical violence

^۳ Severe physical violence

اعتبار و پایایی

برای سنجش اعتبار گویه‌ها از اعتبار محتوا یا صوری استفاده شده است. به این منظور، جهت بررسی تعاریف نظری، عملیاتی و همچنین گویه‌هایی که برای سنجش متغیرها در نظر گرفته شده بود، به افراد متخصص و صاحب نظر (استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی) مراجعه و از نظرات و پیشنهادات آن‌ها در تدوین پرسش‌نامه نهایی استفاده شد.

همچنین می‌توان سنجه‌های به کاررفته در این پژوهش را واجد نوعی اعتبار سازه دانست. زیرا نتایج ارتباط متغیرها در مرحله پیش‌آزمون و آزمون نهایی با متغیرهای اصلی تحقیق مطابق انتظار نظری و پژوهش‌های دیگری بوده است که از همین سنجه‌ها یا مشابه آن استفاده کرده‌اند. ضمن آنکه سنجه مرتبط با متغیر وابسته تحقیق مقیاسی شناخته شده است که قبلاً اعتبار آن در پژوهش‌های دیگر تأیید شده و بارها مورد استفاده قرار گرفته است (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

برای تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. برای انجام پایایی قبل از اجرای آزمون نهایی، پیش‌آزمونی در بین ۱۰ درصد از آزمودنی‌ها در دو آموزشگاه به عمل آمد. ضرایب آلفای به دست آمده در اغلب شاخص‌ها بالاتر از ۰/۸۰ بوده است.

یافته‌های تحقیق

نتایج توصیفی: ویژگی‌های عمومی نمونه مورد بررسی

۱. متغیرهای زمینه‌ای

جمعیت نمونه تحقیق از میان دانش‌آموزان دبیرستانی که در مقاطع و رشته‌های مختلف تحصیل می‌کردند انتخاب شده است. این نوجوانان بین ۱۴ تا ۱۹ سال دارند (با میانگین ۱۵/۹۲) که حدود ۷۰/۳ درصد آن‌ها در مدارس دولتی روزانه و ۱۶/۸ درصد در مدارس دولتی شبانه‌روزی مشغول به تحصیل بوده‌اند.

از میان ۳۴۰ دانش‌آموز مورد بررسی، ۲۵/۶ درصد در سال اول دبیرستان، ۳۸/۲ درصد در سال دوم و ۳۶/۲ درصد در سال سوم تحصیل می‌کردند که بیشترین آن‌ها (۳۷/۱ درصد) در

رشته ریاضی فیزیک و کمترین درصدشان در رشته کار و دانش (۵/۳ درصد) تحصیل می کنند.

۳۲/۵ درصد پدران و ۵۹/۸ درصد مادران بی سواد هستند و تنها ۱۱/۵ درصد پدران و ۴/۵ درصد مادران تحصیلات بالاتر از دیپلم دارند. حدود ۸ درصد از پدران کارمند و مابقی کم و بیش دارای مشاغل آزاد با رتبه های معمولی یا پایین هستند. ۲۵/۳ درصد کشاورز، ۱۶/۵ درصد کارگر دائم یا فصلی، ۹/۸ درصد معمار و بنا، ۹/۴ درصد راننده و اکثر قریب به اتفاق مادران خانه دار هستند (۹۲/۱ درصد).

۹۴ درصد دانش آموزان دارای خانواده کامل هستند و با پدر و مادر خود زندگی می کنند. در این منطقه، بعد خانوار بالاتر از میانگین خانوارهای شهری و کل کشور است. میانگین بعد خانوار سال ۱۳۸۵ در مناطق شهری ۳/۹ و در کل کشور ۴ است (سایت مرکز آمار ایران). به طوری که ۸۸/۵ درصد پاسخگویان بعد خانواری معادل ۵ یا ۶ نفر و بالاتر از آن دارند. به طور کلی می توان گفت نمونه مورد بررسی از حیث پایگاه اقتصادی - اجتماعی در مقایسه با مناطق شهری بزرگ یا نسبتاً بزرگ، در حد متوسط رو به پایین و پایین و از حیث ساخت کلی روابط اجتماعی دارای بافتی شبه عشایری است.

۲. متغیرهای مستقل

سرمایه اجتماعی در خانواده و مؤلفه های آن

با مرور جدول ۲ می توان گفت از میان مؤلفه های سرمایه اجتماعی، بالاترین میانگین متعلق به رضایت دانش آموزان از روابط خانوادگی شان است (با میانگین ۴/۶۱) و پس از آن مؤلفه های انتظارات و نگرش والدین (میانگین = ۴/۳۱) و میزان حمایت خانوادگی قرار دارد (با میانگین ۳/۸۱).

۴۸/۵ درصد از دانش آموزان مورد بررسی سرمایه اجتماعی خانوادگی خود را در حد خیلی زیاد و زیاد و ۳۰ درصد آن ها این امر را در حد کم و خیلی کم ارزیابی کرده اند. بالا بودن رقم اخیر جای تأمل و توجه بیشتری دارد. هرچند میانگین شاخص کل سرمایه اجتماعی خانوادگی نمونه مورد بررسی بیش از حد متوسط یعنی معادل ۳/۸۰ است.

جدول ۲. فراوانی نسبی شاخص کلی سرمایه اجتماعی در خانواده و مؤلفه‌های آن

انحراف معیار	میانگین	رکاب	پایه پایین	حدا کم	تا حدا زیاد	زیاد	خیلی زیاد	گویه
۰/۹۸۹	۳/۱۶	۱۰۰	۵/۰	۲۰/۶	۳۴/۴	۳۳/۵	۶/۵	روابط اعضای خانواده
۱/۰۲۴	۳/۸۱	۱۰۰	۲/۱	۱۰/۹	۱۸/۸	۴۰/۹	۲۷/۴	میزان حمایت خانوادگی
۰/۷۲۱	۴/۶۱	۱۰۰	-	۲/۱	۷/۹	۱۶/۵	۷۳/۵	رضایت از روابط خانوادگی
۱/۱۳۱	۳/۱۴	۱۰۰	۹/۴	۱۷/۴	۳۵/۹	۲۵/۰	۱۲/۴	توجه و آگاهی والدین
۱/۰۴۰	۴/۳۱	۱۰۰	۴/۴	۲/۶	۸/۸	۲۵/۹	۵۸/۲	انتظارات و نگرش والدین
۰/۹۸۱	۳/۸۰	۱۰۰	۱۴/۹	۱۵/۴	۲۱/۲	۲۳/۷	۲۴/۸	شاخص کلی سرمایه اجتماعی در خانواده

سرمایه اجتماعی در مدرسه و مؤلفه‌های آن

با مروری بر جدول ۳ درمی‌یابیم که از میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مدرسه‌ای، بالاترین میانگین متعلق به شاخص کنترل در مدرسه است (با میانگین ۴) و پس از آن مؤلفه‌های تعلق و دلبستگی به مدرسه (میانگین = ۳/۷۴) و شاخص اعتماد در مدرسه قرار دارد (با میانگین ۳/۶۸). همانند شاخص سرمایه اجتماعی در خانواده، در این جا نیز ۴۸/۲ درصد از پاسخگویان سرمایه اجتماعی خود را در مدرسه در حد خیلی زیاد و زیاد و قریب به ۳۰ درصد چنین سرمایه‌ای را در حد کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. باز هم باید یادآور شد که نسبت ۳۰ درصد از دانش‌آموزان که دارای سرمایه اجتماعی مدرسه‌ای کم و خیلی کم هستند، باید به‌طور جدی مورد توجه قرار بگیرد و از سوی مسئولان برای بهبود آن برنامه‌ریزی و اقدام شود. مشابهت بسیار زیاد نسبت‌های بالا و پایین هر دو شاخص سرمایه اجتماعی خانوادگی و مدرسه‌ای در نمونه مورد بررسی بسیار جالب توجه و احتمالاً نشان‌دهنده نقش آفرینی نسبتاً مشابه آن‌ها در خصوص تبیین رفتار خشونت‌آمیز کل دانش‌آموزان است. میانگین شاخص سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان در مدرسه کمی بیش از حد متوسط، ولی پایین‌تر از میانگین سرمایه اجتماعی خانوادگی آن‌ها است (۳/۲۱ در برابر ۳/۸۰).

جدول ۳. فراوانی نسبی سرمایه اجتماعی در مدرسه و مؤلفه‌های آن

انحراف معیار	میانگین	کل	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	شاخص
۰/۴۹۸	۱/۱۹	۱۰۰	۸۵/۵	۱۲/۱	۲/۱	۰/۹	-	همکاری یا مشارکت جمعی
۰/۸۳۲	۳/۴۸	۱۰۰	۲/۴	۸/۲	۳۵/۰	۴۷/۶	۶/۸	معاشرت و روابط اجتماعی در مدرسه
۱/۰۶۷	۳/۷۴	۱۰۰	۴/۱	۷/۹	۲۵/۰	۳۶/۲	۲۶/۸	شاخص تعلق و دلبستگی به مدرسه
۰/۹۳۷	۳/۶۸	۱۰۰	۱/۸	۸/۸	۲۷/۶	۴۲/۹	۱۸/۸	شاخص اعتماد در مدرسه
۱/۲۵۹	۴/۰	۱۰۰	۷/۹	۹/۴	۲۱/۸	۲۵/۳	۳۵/۶	شاخص کنترل در مدرسه
۰/۹۱۸	۳/۲۱	۱۰۰	۲۰/۳	۹/۳	۲۲/۳	۳۰/۶	۱۷/۶	شاخص کلی سرمایه اجتماعی در مدرسه

۳. متغیر وابسته

خشونت بین فردی و انواع آن

داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهند که در این مدت زمانی، بیشترین رفتار خشونت آمیز پاسخگویان از نوع خشونت لفظی (با میانگین ۲/۶۶) و خشونت فیزیکی ملایم (با میانگین ۲/۲۵) بوده است. کمترین میانگین (۱/۷۳) مربوط به خشونت فیزیکی شدید است. در خشونت لفظی حدود ۳۰ درصد هرگز و ۷۰ درصد اقدام به خشونت مشاهده می‌شود. این درصدها برای دو نوع خشونت بعدی حدود ۴۰ درصد هرگز و ۶۰ درصد اقدام و ۶۴ درصد هرگز و ۳۶ درصد اقدام است. برحسب شاخص کلی خشونت که متشکل از هر سه نوع خشونت لفظی، فیزیکی ملایم و فیزیکی شدید است، گزینه هرگز (۳۸/۵ درصد) به دست آمده است. بر این اساس، ۶۱/۵ درصد پاسخگویان طی یک سال گذشته دارای رفتار خشونت آمیز به طور کلی (از ۱ تا ۳ بار و بیشتر) بوده‌اند. اما در کل، شاید بتوان گفت میزان اعمال خشونت دانش آموزان کمتر از حد متوسط برحسب میانگین ۲/۱۹ است و میانه این توزیع در طبقه یک و دو بار رفتار خشونت آمیز قرار دارد.

جدول ۴. فراوانی نسبی شاخص خشونت بین فردی و انواع آن

انواع آزار معیار	میزان میانگین	رتبه	۱ تا ۱۰ بار	۳ تا ۱۰ بار	۲ تا ۵ بار	۱ تا ۲ بار	۰ بار	گویه
۱/۴۳۳	۲/۶۶	۱۰۰	۱۵/۶	۱۴/۷	۱۹/۷	۲۰/۳	۲۹/۷	شاخص خشونت لفظی
۱/۳۰۱	۲/۲۵	۱۰۰	۷/۶	۱۲/۴	۱۷/۱	۲۳/۲	۳۹/۷	شاخص خشونت فیزیکی ملایم
۱/۱۷۸	۱/۷۳	۱۰۰	۵/۳	۵/۶	۱۰/۹	۱۳/۵	۶۴/۷	شاخص خشونت فیزیکی شدید
۱/۲۰۷	۲/۱۹	۱۰۰	۵/۶	۹/۷	۲۱/۵	۲۴/۷	۳۸/۵	شاخص خشونت کلی

نتایج تبیینی

سرمایه اجتماعی در خانواده و خشونت بین فردی

ضرایب همبستگی مندرج در جدول ۵ حاکی از آن است که بین شاخص کلی سرمایه اجتماعی در خانواده با شاخص کلی خشونت و ابعاد آن رابطه معنادار و منفی وجود دارد. به این ترتیب، می توان گفت بالابودن سرمایه اجتماعی کلی خانواده، کاهش قابل توجهی در خشونت کلی دانش آموزان و انواع رفتارهای خشونت آمیز آن ها مانند خشونت فیزیکی ملایم (۰/۲۱-)، خشونت فیزیکی شدید (۰/۲۲-) و بخصوص خشونت لفظی (۰/۲۷-) در پی می آورد. لیکن، برای تحلیل بیشتر بهتر است نقش مؤلفه های تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی خانوادگی را بر رفتار خشونت آمیز دانش آموزان بکاویم.

به طوری که دیده می شود، بین مؤلفه های سرمایه اجتماعی در خانواده و شاخص کلی خشونت و ابعاد آن (بجز با مؤلفه انتظارات و نگرش والدین) رابطه معنادار و منفی به دست آمده است. بدین معنی که هرچه دانش آموزان بیشتر از حمایت خانوادگی برخوردار باشند، با اعضای خانواده شان ارتباط داشته باشند، از روابط بین اعضای خانواده خودشان راضی باشند و والدینشان به آن ها توجه کرده باشند، میزان رفتار خشونت آمیز آن ها کمتر خواهد بود (تأیید فرضیه اول تحقیق).

جدول ۵. ضرایب همبستگی پیرسون میزان سرمایه اجتماعی در خانواده و مؤلفه‌های آن با میزان خشونت بین فردی و انواع آن

سرمایه اجتماعی در خانواده	مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در خانواده					سرمایه اجتماعی در خانواده و مؤلفه‌های آن	
	انتظارات و نگرش والدین	توجه و آگاهی والدین	رضایت از روابط خانوادگی	حمایت خانوادگی	روابط بین اعضای خانواده	خشونت بین فردی و انواع آن	
-۰/۲۷۶	-۰/۰۵۹	-۰/۱۹۵	-۰/۲۲	-۰/۲۶۵	-۰/۲۵۹	ضریب همبستگی	خشونت لفظی
۰/۰۰۰	۰/۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری		
-۰/۲۱۱	-۰/۰۴۱	-۰/۱۳۱	-۰/۱۹۵	-۰/۲۱۸	-۰/۱۷۵	ضریب همبستگی	خشونت فیزیکی ملازم
۰/۰۰۰	۰/۴۵۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری		
-۰/۲۲	-۰/۱۰۴	-۰/۱۱۹	-۰/۲۲۱	-۰/۲۳۴	-۰/۱۲	ضریب همبستگی	خشونت فیزیکی شدید
۰/۰۰۰	۰/۰۵۵	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری		
-۰/۲۴۸	-۰/۰۶۴	-۰/۱۵۵	-۰/۲۲۵	-۰/۲۵۳	-۰/۱۹۷	ضریب همبستگی	خشونت کلی
۰/۰۰۰	۰/۲۳۸	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری		

سرمایه اجتماعی در مدرسه و خشونت بین فردی

داده‌های جدول ۶ حاکی از آن است که بین سرمایه اجتماعی در مدرسه با شاخص کلی خشونت و ابعاد آن رابطه معنادار و منفی وجود دارد. بدین معنی که هرچه سرمایه اجتماعی دانش آموزان در مدرسه بیشتر باشد، میزان رفتار خشونت آمیز آن‌ها کمتر است (تأیید فرضیه دوم تحقیق). این کاهش در رفتار خشونت آمیز دانش آموزان بیشتر در خشونت لفظی و فیزیکی شدید و سپس در خشونت فیزیکی ملازم قابل مشاهده است. بنابراین با افزایش سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در مدرسه می‌توان انتظار داشت که خشونت لفظی و خشونت‌های فیزیکی شدید و ملازم دانش آموزان در حد زیادی کاهش یابد.

در بررسی جزئی‌تر نحوه رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مدرسه‌ای با کردارهای خشونت آمیز دانش آموزان آشکار می‌شود که بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در مدرسه بجز «همکاری و مشارکت در فعالیت‌های جمعی» با شاخص کلی خشونت و ابعاد آن رابطه معنادار و منفی به دست آمده است. بدین معنی که هرچه دانش آموزان در مدرسه بیشتر با دوستان و

مسئولان مدرسه احساس صمیمیت کنند و با آن‌ها رابطه و معاشرت داشته باشند، به مدرسه اعتماد و احساس تعلق داشته باشند و احساس کنند مسئولان مدرسه آن‌ها را کنترل می‌کنند و بر رفتارشان نظارت دارند، میزان رفتار خشونت‌آمیز آن‌ها کمتر خواهد شد. در این جا نیز مؤلفه‌های تأثیرگذار در کاهش رفتار خشونت‌آمیز دانش‌آموزان برحسب شاخص کلی خشونت و انواع آن، کم‌وبیش در تمام موارد به‌طور یکسان عمل می‌کنند. همواره چهار مؤلفه «احساس تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان»، «اعتماد دانش‌آموزان به مسئولان و یکدیگر در مدرسه» و «کیفیت روابط و معاشرت‌ها در مدرسه» و سرانجام «میزان احساس تحت نظارت و کنترل بودن دانش‌آموزان» تأثیر و جایگاه خود را در کاهش کردار خشونت‌آمیز نشان می‌دهند. با این تفاوت که در کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز فیزیکی شدید، پس از احساس تعلق و اعتماد، عامل تحت کنترل و نظارت بودن بر مؤلفه کیفیت روابط و معاشرت‌ها تقدم یافته و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

جدول ۶. ضرایب همبستگی پیرسون سرمایه اجتماعی در مدرسه و خشونت بین فردی

سرمایه اجتماعی در مدرسه	مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در مدرسه					سرمایه اجتماعی در مدرسه و خشونت بین فردی و انواع آن	
	کنترل و نظارت در مدرسه	اعتماد در مدرسه	احساس تعلق به مدرسه	روابط و معاشرت در مدرسه	همکاری و مشارکت در فعالیت‌های جمعی	ضریب همبستگی	خشونت لفظی
-۰/۲۶۸	-۰/۰۸۹	-۰/۲۳	-۰/۲۹۶	-۰/۲۳۶	۰/۰۱۱	ضریب همبستگی	خشونت لفظی
۰/۰۰۰	۰/۱۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۴۱	معناداری	
-۰/۱۸۶	-۰/۱۱۹	-۰/۱۸	-۰/۲۲۴	-۰/۱۳۱	۰/۰۸۴	ضریب همبستگی	خشونت فیزیکی ملایم
۰/۰۰۱	۰/۰۲۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۱۶	۰/۱۲۳	معناداری	
-۰/۲۵	-۰/۲۱۵	-۰/۲۴۸	-۰/۲۶۵	-۰/۱۴۵	۰/۰۱۱	ضریب همبستگی	خشونت فیزیکی شدید
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۸۳۹	معناداری	
-۰/۲۳۷	-۰/۱۴۷	-۰/۲۲۵	-۰/۲۸۴	-۰/۱۷	۰/۰۵۸	ضریب همبستگی	خشونت کلی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۲۸۸	معناداری	

مقایسه میزان همبستگی سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه با میزان خشونت بین فردی به منظور شناخت بهتر و مقایسه تأثیر همزمان سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه، مؤلفه‌های آن‌ها و متغیرهای زمینه‌ای بر متغیر خشونت بین فردی، در ادامه، چند مدل رگرسیونی که با روش backward محاسبه شده است ذکر می‌شود. این مدل‌های رگرسیونی، به‌طور جداگانه محاسبه شده و برای رعایت اختصار و مقایسه بهتر در یک جدول آمده است.

الف) تأثیر همزمان شاخص‌های سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه با خشونت بین فردی و انواع آن

داده‌های جدول ۷ نشان می‌دهد:

برحسب مقادیر ضریب تعیین (R^2)، دو شاخص سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه، ۰/۰۹۲ از واریانس خشونت لفظی و ۰/۰۷ از واریانس شاخص کلی خشونت را تبیین می‌کنند. ضریب همبستگی چندگانه به ترتیب ۰/۳۰ و ۰/۲۷).

بر اساس متغیرهای باقی‌مانده در مدل رگرسیونی انواع خشونت بین فردی می‌توان گفت سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه هر دو با اندک تفاوتی بر خشونت لفظی (به ترتیب ۰/۱۷ = β_1 ، ۰/۱۶ = β_2) و خشونت کلی (به ترتیب ۰/۱۶ = β_1 ، ۰/۱۳ = β_2) تأثیر می‌گذارند. در حالی که در خشونت فیزیکی ملایم، فقط سرمایه اجتماعی در خانواده (۰/۲۱ = β_1) و در خشونت فیزیکی شدید، تنها سرمایه اجتماعی در مدرسه (۰/۲۵ = β_1) در معادله باقی‌مانده و بر متغیر وابسته مؤثرند (تأیید فرضیه سوم تحقیق).

این نتیجه جالب توجه، ضمن تأیید تأثیر کلی سرمایه اجتماعی خانوادگی و مدرسه‌ای در کاهش خشونت بین فردی به‌طور کل، به تمایز میزان همبستگی یا نقش سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه در ارتباط با خشونت‌های بین فردی از نوع فیزیکی ملایم و شدید اشاره دارد. تقویت سرمایه اجتماعی خانوادگی، زمینه عمومی اعمال خشونت به‌ویژه از حیث لفظی و فیزیکی ملایم را محدود می‌کند، اما برای کنترل خشونت فیزیکی شدید نقش سرمایه اجتماعی مدرسه‌ای و توجه به متغیرهایی همچون میزان و کیفیت روابط موجود در مدرسه، میزان تعلق به مدرسه و میزان اعتماد موجود در چنین محیطی و سرانجام میزانی که افراد خود را تحت کنترل و نظارت می‌بینند، بیشتر حائز اهمیت است.

جدول ۷. نتایج رگرسیون شاخص‌های سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه با انواع خشونت بین فردی

متغیر وابسته	آر	مجذور آر	آر تعدیل شده	خطای استاندارد	معناداری
خشونت لفظی	۰/۳۰۴	۰/۰۹۲	۰/۰۸۷	۴/۵۷۷	۰/۰۰۰
خشونت فیزیکی ملایم	۰/۲۱۱	۰/۰۴۵	۰/۰۴۲	۱۳/۱۷	۰/۰۰۰
خشونت فیزیکی شدید	۰/۲۵	۰/۰۶۳	۰/۰۶	۵/۱۰۲	۰/۰۰۰
خشونت کلی	۰/۲۷۱	۰/۰۷۴	۰/۰۶۸	۲۰/۷۲	۰/۰۰۰

متغیر وابسته	متغیرهای باقی مانده در معادله	بتا	تی	معناداری
خشونت لفظی	سرمایه اجتماعی در خانواده	-۰/۱۷۹	-۲/۷۶	۰/۰۰۶
	سرمایه اجتماعی در مدرسه	-۰/۱۶	-۲/۴۵	۰/۰۱۴
خشونت فیزیکی ملایم	سرمایه اجتماعی در خانواده	-۰/۲۱۱	-۳/۹۶۸	۰/۰۰۰
	سرمایه اجتماعی در مدرسه	-۰/۲۵	-۴/۷۵۷	۰/۰۰۰
خشونت کلی	سرمایه اجتماعی در خانواده	-۰/۱۶۴	-۲/۴۹۵	۰/۰۱۳
	سرمایه اجتماعی در مدرسه	-۰/۱۳۹	-۲/۱۱۵	۰/۰۳۵

ب) تأثیر همزمان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه و متغیرهای زمینه‌ای با خشونت بین فردی و انواع آن
در مدل‌های رگرسیونی بعدی (جدول ۸) همه متغیرهای زمینه‌ای و مؤلفه‌های دو شاخص سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه وارد معادله رگرسیون شدند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود:

بر اساس مدل رگرسیونی اول می‌توان گفت هرچه میزان درآمد خانواده بالاتر، احساس تعلق به مدرسه کمتر، روابط بین اعضای خانواده ضعیف‌تر و اعتماد در مدرسه پایین‌تر باشد، میزان خشونت لفظی دانش‌آموزان بیشتر خواهد بود.

برحسب مدل رگرسیونی دوم، دانش‌آموزانی که احساس تعلق کمتری به مدرسه دارند، درآمد خانوادگی‌شان نسبتاً بالاتر است، از حمایت خانوادگی کمتری برخوردارند و مشارکت کمتری در فعالیت‌های مدرسه دارند، بیشتر احتمال دارد که مرتکب خشونت فیزیکی ملایم شوند.

برحسب مدل رگرسیونی سوم، پاسخگويانی که میزان اعتمادشان به مدرسه یا ارزیابی‌شان از اعتماد در مدرسه پایین‌تر است، درآمد خانوادگی‌شان نسبتاً بالاتر و احساس مورد کنترل و تحت نظارت بودنشان در مدرسه کمتر است، بیشتر مرتکب خشونت فیزیکی شدید شده‌اند. سرانجام برحسب مدل رگرسیونی چهارم، دانش‌آموزانی خشونت بین‌فردی بیشتری داشته‌اند که درآمد خانواده‌های آن‌ها نسبتاً بالاتر، احساس تعلقشان به مدرسه و اعتمادشان در مدرسه ضعیف‌تر و حمایت خانواده از آن‌ها کمتر بوده است (تأیید فرضیه سوم تحقیق). از میان متغیرهای زمینه‌ای، تنها متغیر درآمد خانواده در تمام معادله‌های رگرسیونی باقی‌مانده است که خود حاکی از امکان بروز خشونت بیشتر در دانش‌آموزانی است که خانواده‌های آن‌ها در نمونه مورد بررسی وضعیت درآمدی نسبتاً بالاتری دارند.

جدول ۸ نتایج رگرسیون مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه و متغیرهای زمینه‌ای با انواع

خشونت بین‌فردی

معناداری	خطای استاندارد	آر تعدیل شده	مجذور آر	آر	
۰/۰۰۰	۴/۴	۰/۱۴۳	۰/۱۵۳	۰/۳۹۲	خشونت لفظی
۰/۰۰۰	۱۲/۸۲	۰/۰۹۴	۰/۱۰۸	۰/۳۲۹	خشونت فیزیکی ملایم
۰/۰۰۰	۴/۹۵	۰/۱۱۵	۰/۱۲۶	۰/۳۵	خشونت فیزیکی شدید
۰/۰۰۰	۲۰/۰۵	۰/۱۲۷	۰/۱۴۳	۰/۳۷۹	خشونت کلی

معناداری	تی	ضریب بتا	متغیرهای باقی‌مانده در معادله	
۰/۰۰۷	- ۲/۷	-۰/۱۵۶	روابط بین اعضا خانواده	خشونت لفظی
۰/۰۰۴	- ۲/۸۶	-۰/۱۸۵	احساس تعلق به مدرسه	
۰/۰۰۰	۴/۰۲	۰/۲۱	درآمد	

معناداری	تی	ضریب بتا	متغیرهای باقی مانده در معادله	
۰/۰۴	-۲/۰۶	-۰/۱۳	اعتماد در مدرسه	
۰/۰۱	۲/۵۵	۰/۱۳۹	درآمد	خشونت فیزیکی ملایم
۰/۰۴	۱/۹۸	۰/۱۰۸	مشارکت در فعالیت‌های مدرسه	
۰/۰۰۱	-۳/۲	-۰/۱۹۸	احساس تعلق به مدرسه	
۰/۰۲۸	-۲/۲۱	-۰/۱۳۶	حمایت خانوادگی	
۰/۰۰۵	۲/۸۱	۰/۱۵	درآمد	خشونت فیزیکی شدید
۰/۰۰۳	-۳/۰۳	-۰/۲۰۷	اعتماد در مدرسه	
۰/۰۱۴	-۲/۴۹	-۰/۱۳۷	کنترل در مدرسه	
۰/۰۰۱	-۳/۲۲	۰/۱۷۴	درآمد	خشونت کلی
۰/۰۱۳	-۲/۵۱	-۰/۱۶۹	احساس تعلق به مدرسه	
۰/۰۳۷	-۲/۰۹	-۰/۱۳۵	اعتماد در مدرسه	
۰/۰۰۳	-۲/۱۴	-۰/۱۳	حمایت خانوادگی	

بحث و نتیجه‌گیری

با وجود آنکه خشونت بین فردی به‌عنوان پدیده اجتماعی آسیب‌زا و ناخوشایند، خصیلتی تاریخی و جهانی دارد، امروزه به شکل نگران‌کننده‌ای در اشکال گوناگون سیر فزاینده و گاه مهارنشده‌ای به خود گرفته است. در کشور ما نیز آمار مربوط به انواع خشونت بین فردی اعم از خشونت خانوادگی، خشونت در مراکز آموزشی و محیط‌های عمومی در طول سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است. یکی از جلوه‌های تأمل‌برانگیز این پدیده، بروز رفتار خشونت‌آمیز در مراکز آموزشی و تحصیلی به‌ویژه در میان دانش‌آموزان پسر دبیرستانی است.

برخی از یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد: الف) ۶۱/۵ درصد پاسخگویان، طی یک‌سال گذشته دارای رفتار خشونت‌آمیز به‌طور کلی (از ۱ تا ۳ بار و بیشتر) بوده‌اند. از این میان حدود ۷۰ درصد دانش‌آموزان «خشونت لفظی»، ۶۰ درصد «خشونت فیزیکی ملایم» و ۳۶ درصد «خشونت فیزیکی شدید» داشته‌اند (از ۱ تا ۳ بار و بیشتر). ب) در میان مؤلفه‌های

سرمایه اجتماعی خانوادگی گویه‌های مرتبط با «درمیان گذاشتن مشکلات شخصی با پدر» در چارچوب تعاملات خانوادگی و امکان «مشورت با پدر» در زمینه دریافت حمایت‌های گوناگون مالی، مشورتی، عاطفی و اطلاعاتی در مقایسه با سایر گویه‌ها میانگین کمتری دارند که نشان‌دهنده نوعی کاستی در خانواده‌های مورد بررسی و چه بسا اکثر خانواده‌های جامعه ما است. این نتایج ضرورت توجه بیشتر پدران و مسئولان جامعه را برای شناخت زمینه‌های بروز این پدیده و اصلاح آن مورد تأکید قرار می‌دهد. (ج ۸۵/۵ درصد دانش‌آموزان در امور مدرسه خیلی کم همکاری و مشارکت دارند و تنها ۰/۹ درصد پاسخگویان دارای مشارکت زیاد در مدرسه هستند. بیشترین همکاری دانش‌آموزان در قالب بسیج دانش‌آموزی (با میانگین ۱/۰۳) و کمترین همکاری، فعالیت داشتن در گروه سرود و تئاتر (میانگین = ۰/۲۷) است. ارقام مزبور تأمل‌برانگیز و شایسته توجه هستند. پایین بودن مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدرسه‌ای، علاوه بر کاهش سرمایه اجتماعی آن‌ها در مدرسه، فرایند اجتماعی شدن عملی، جامع و متنوع آن‌ها را به شدت محدود می‌سازد و ممکن است صرفاً مدرسه را به عنوان کانون آموزش‌های غیرعملی درآورد.

کسب توانمندی‌های نظری و مهارت‌های عملی درخصوص به‌عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی و ایفای درست آن‌ها در آینده، به شدت در گرو چگونگی مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدرسه‌ای و تحقق سایر جنبه‌های کارکرد اجتماعی کردن آموزشگاه است. (د) از میان مؤلفه‌های مربوط به شاخص معاشرت و روابط اجتماعی در مدرسه، بالاترین میانگین مربوط به گویه «داشتن روابط صمیمی با دوستان» (۳/۹۸) و پایین‌ترین میانگین مربوط به گویه «مراجعه به مشاور مدرسه» (۱/۶۴) است. چنانچه کم بودن مراجعه دانش‌آموزان به مشاور ناشی از فقدان مشکل برای ارجاع باشد، از این بابت جای نگرانی نیست، اما اگر نبودن مشاور یا ضعف آگاهی و اطلاع‌رسانی علت این امر باشد، باز هم باید گفت موضوع نگران‌کننده و شایان رسیدگی است.

در سطح تحلیلی، از میان متغیرهای زمینه‌ای، سن دانش‌آموزان فقط با خشونت فیزیکی شدید (در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و ۰/۱۰ = آر پیرسون) رابطه مستقیم داشته است. این بدان معنا است که دانش‌آموزان دارای سن بالاتر و شاغل به تحصیل در سال‌های آخر دبیرستان بیشتر از دانش‌آموزان کم‌سن‌تر از خود مرتکب خشونت فیزیکی شدید می‌شوند. همچنین

نتایج نشان داد که میزان درآمد خانواده با شاخص کلی خشونت بین فردی (آر اسپیرمن = ۰/۱۵۱ و ۰/۰۰۶ = معنادری) رابطه مستقیم دارد. این رابطه با انواع خشونت لفظی، فیزیکی ملایم و به ویژه فیزیکی شدید هم بر حسب آزمون‌های دو متغیری و چندگانه نیز برقرار است. آزمون‌های تحلیل واریانس بر اساس متغیر سه رتبه‌ای درآمد با شاخص‌های چهارگانه خشونت (کلی، لفظی، فیزیکی ملایم و فیزیکی شدید) آشکار کرد که دانش‌آموزان دارای درآمد خانوادگی متوسط و بالا در نمونه مورد مطالعه دارای میانگین بالاتری از رفتار خشونت‌آمیز بودند. حال آنکه دانش‌آموزانی که وضعیت درآمدی خانواده آن‌ها کم بوده است، همواره میانگین رفتار خشونت‌آمیزشان پایین‌تر از میانگین کل قرار داشت (این نتایج مشابه یافته‌های آمبرز لانگ و استفان فریز، ۲۰۰۸؛ هاوکینز، ۱۹۹۱؛ و مارکوویتز، ۲۰۰۳ است). از میان متغیرهای مستقل، سرمایه اجتماعی در خانواده و اکثر مؤلفه‌های شاخص‌های مزبور با خشونت بین فردی و انواع آن رابطه معنادار و معکوس داشته‌اند. بنابراین چنانچه خانواده‌ها و مسئولان امور تربیتی بخواهند برای کاهش میزان خشونت دانش‌آموزان پسر در دبیرستان‌ها و مدارس، برنامه و اقدام مؤثری داشته باشند، لازم است به تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در خانواده به ویژه «روابط بین اعضای خانواده» و «حمایت خانوادگی» توجه کنند. از میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در مدرسه، بیشتر آن‌ها با میزان رفتار خشونت‌آمیز دانش‌آموزان ارتباط دارند. بخصوص دو متغیر احساس تعلق و اعتماد در مدرسه. سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه، تقریباً به طور یکسانی بر خشونت لفظی (به ترتیب ۰/۱۷ = بتا، ۰/۱۶ = بتا) و خشونت کلی (به ترتیب ۰/۱۶ = بتا، ۰/۱۳ = بتا) تأثیر می‌گذارند. در حالی که در میزان خشونت فیزیکی ملایم، فقط سرمایه اجتماعی در خانواده (۰/۲۱ = بتا) و در میزان خشونت فیزیکی شدید، تنها سرمایه اجتماعی در مدرسه (۰/۲۵ = بتا) در معادله رگرسیونی باقی مانده‌اند. از این رو به نظر می‌رسد در کنترل خشونت فیزیکی شدید، سرمایه اجتماعی مدرسه‌ای (به ویژه دو متغیر میزان اعتماد در مدرسه و احساس تحت نظارت بودن) تأثیر بیشتری داشته باشند. بر حسب متغیرهای تبیین‌کننده شاخص کلی خشونت بین فردی می‌توان گفت تقویت حس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه، افزایش اعتماد اجتماعی به یکدیگر و مدرسه و حمایت مناسب

خانواده و رسیدگی بیشتر به وضعیت تربیتی دانش آموزان متعلق به خانواده‌های دارای درآمد متوسط و بالا، احتمال ارتکاب رفتار خشونت آمیز را توسط پسران دانش آموز دبیرستانی کاهش می‌دهد.

به طوری که مشاهده شد، نتایج تجربی حاصل شده در این مطالعه تأثیر مثبت متغیرها و مؤلفه‌های نظری مورد تأکید نظریه‌های سرمایه اجتماعی و نظریه پیوند اجتماعی هیرشی را بر کاهش رفتار خشونت آمیز دانش آموزان تأیید می‌کنند. نظریه‌های مختلف سرمایه اجتماعی بر عوامل و عناصری همچون کمیت و کیفیت روابط و تعاملات انسانی و اجتماعی به ویژه به صورت عینی و غیررسمی، اعتماد ذهنی و عملی به دیگران، حمایت، دلسوزی و مراقبت از یکدیگر، وجود مشارکت اجتماعی و درگیر شدن در فعالیت‌های مدنی و انجمنی، احساس تعلق و دلبستگی به گروه‌ها، نهادها و هرگونه چارچوب ادغام اجتماعی و داشتن اعتقادات و باورهای همسو با جامعه و منطبق بر ارزش‌ها و هنجارهای سامان‌بخش و پیونددهنده مورد تأیید جامعه اصرار می‌ورزند. به همین ترتیب، نظریه پیوند اجتماعی هیرشی برای کنترل در معنای عام و جامع آن عناصر چهارگانه‌ای را ذکر کرده است که با آن چه گفته شد مضمون مشترک و واحدی دارد. ارتباط و تعلق یا وجود اتصالات اجتماعی یا پیوند گروهی و نهادی با چارچوب‌های مشروع اجتماعی که فرد را همچون خانه و مدرسه دربرمی‌گیرد و منجر به نوعی احساس تعلق و تعهد اجتماعی و التزام به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌گردد؛ داشتن مشارکت‌های اجتماعی متنوع، فعال و سازنده و باورهای منطبق با نظام ارزشی، هنجاری و نمادی مشروع اجتماعی، عناصر متجانس با مفاهیم تئوریک نظریه‌های سرمایه اجتماعی برای تبیین هرگونه رفتار بزهکارانه و بخصوص رفتار خشونت آمیز است.

چنان که دیدیم، هم در سطح شاخص‌های کلی سرمایه اجتماعی و هم بخصوص متغیرهای جزئی تری همچون روابط و تعاملات در خانه و مدرسه، حمایت خانوادگی، احساس تعلق، اعتماد و بر اساس هر دو نظریه، به ویژه نظریه هیرشی، احساس قرار داشتن در نوعی چارچوب نظارتی و کنترلی، دانش آموزان را از اقدام به کردار خشونت آمیز (خصوصاً از نوع خشونت فیزیکی شدید) باز می‌دارد.

در مقایسه با یافته‌های پژوهش‌های پیشین، مشخص شد که به طرز مشابهی بیشترین خشونت ابراز شده از نوع خشونت لفظی (۷۰ درصد اقدام) بوده است. سایر انواع خشونت به

میزان‌های کمتری در نمونه مورد بررسی مشاهده شده است (خشونت فیزیکی ملایم ۶۰ درصد اقدام و خشونت فیزیکی شدید ۳۶ درصد اقدام). این یافته‌ها با نتایج دو مطالعه اورت و پرایس و امین زارعی همخوانی دارد. همچنین وجود رابطه بین سن با خشونت فیزیکی شدید و برخی متغیرهای مرتبط با پایگاه اقتصادی - اجتماعی مانند درآمد با نتایج تحقیقات رایت و فیتزپاتریک (۲۰۰۶)، آمبرز لانگ و استفان فریز (۲۰۰۸) و امین زارعی (۱۳۸۳) سازگار است. رابطه مثبت متغیرهای سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه با خشونت بین فردی دانش‌آموزان و مؤلفه‌های نظری سرمایه و کنترل اجتماعی بخصوص متغیرهایی مانند روابط و تعاملات، حمایت خانوادگی، اعتماد، مشارکت در فعالیت‌های جمعی و مدرسه‌ای، رضایت از روابط خانواده‌ای و مدرسه‌ای، احساس تعلق و احساس تحت نظارت بودن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با متغیرهایی که در پژوهش‌های رایت و فیتزپاتریک (۲۰۰۶) بر رفتار خشونت‌آمیز و پرخاشگری مؤثر بوده‌اند، هماهنگی دارد. همچنین همخوانی مضمونی و محتوایی قابل توجهی میان این یافته‌ها با مفاد اصلی و نهایی نتایج پژوهش‌های چلبی و همکارانش (۱۳۸۱) قابل ذکر است، هرچند کارهای اخیر پدیده کلی تر جرم و بزهکاری را تبیین می‌کنند، به‌نحو عام‌تری می‌توان اشکالی از خشونت بین فردی را ذیل مفاهیم جرم و بزهکاری جای داد. در کل، می‌توان گفت متغیرهای «روابط بین اعضای خانواده»، «تعلق به مدرسه»، «اعتماد در مدرسه» و «میزان درآمد» ۱۵ درصد از تغییرات خشونت لفظی؛ «مشارکت در فعالیت‌های جمعی»، «تعلق به مدرسه»، «میزان درآمد» و «حمایت خانوادگی» ۱۰ درصد از تغییرات خشونت فیزیکی ملایم؛ «درآمد»، «کنترل و نظارت در مدرسه» ۱۳ درصد از تغییرات خشونت فیزیکی شدید و «تعلق به مدرسه»، «میزان درآمد»، «کنترل و نظارت در مدرسه» و «حمایت خانوادگی» ۱۴ درصد از تغییرات خشونت بین فردی را تبیین می‌کنند. در مطالعات دیگر هم درصد تبیین حاصل از متغیرهای سرمایه اجتماعی به همین میزان بوده است (در تحقیق رایت و فیتزپاتریک، ۲۰۰۶: ۱۴۴۷) ۱۵۷/۰ از تغییرات متغیر رفتار خشونت‌آمیز توسط سرمایه اجتماعی خانوادگی و مدرسه‌ای، پیوندهای محله‌ای، مشارکت‌های دینی و برخی متغیرهای اجتماعی و جمعیت‌شناختی دیگر تبیین شده است و در علیوردی‌نیا و همکارانش (۱۳۸۷: ۱۲۵) ۱۴۷/۰ از بزهکاری پسران توسط سرمایه اجتماعی خانوادگی شامل صمیمیت اعضای خانواده و حمایت

خانواده و ۰/۱۴ از بزهکاری دختران به وسیله سرمایه خانوادگی شامل آگاهی والدین و عضویت والدین تبیین شده است).

در عین حال، باید اذعان کرد که وسعت و پیچیدگی مفهوم سرمایه اجتماعی و دشواری سنجش آن و همچنین محدودیت اجتناب ناپذیر متغیرهای مستقل به کاررفته در مدل تحقیق حاضر تا حدی در کسب نتیجه یادشده مؤثر بوده اند.

به نظر می رسد برای تبیین کامل تری از پدیده خشونت بین فردی دانش آموزان بهتر است در مطالعات بعدی توصیه ها و متغیرهای زیر مورد توجه قرار گیرند: به کارگیری فنون و روش های کمی و کیفی مکمل؛ استفاده از نمونه ای که دختران دانش آموز را نیز دربرداشته باشد؛ بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی محله ای؛ شاهد خشونت دیگران به ویژه والدین و معلمان یا مدیران بودن؛ بررسی میزان عمومی خشونت در جامعه و به ویژه بررسی ارزش نمادین اعمال قدرت و خشونت بر دیگران در فضای فرهنگی و بین الاذهانی جامعه ای که فرد در آن زندگی می کند؛ میزان آنومی اجتماعی یا احساس وجود آشفتگی اجتماعی و احساس بی عدالتی؛ میزان استفاده از رسانه های جمعی و مشاهده صحنه های خشونت آمیزی که در آن ها نمایش داده می شود؛ میزان احساس ناکامی و سرخوردگی؛ سبک و الگوی فرزندپروری والدین؛ تأثیر گروه همسالان؛ توجه به سایر ویژگی های مهم محیط های آموزشی مانند اندازه مدرسه، شرایط محیط فیزیکی و اکولوژیک آن ها و ...

بر اساس این مطالعه و در محدوده مدل تحقیق و نتایج حاصل می توان بر نکات زیر به عنوان پیشنهاد های اجرایی و تربیتی اصرار کرد: تقویت پیوندهای خانوادگی مثبت و سازنده به ویژه میان پدران و پسران؛ صرف زمان و انرژی بیشتر برای ارتباط کلامی و رفتاری با فرزندان در خانواده و دانش آموزان در مدرسه؛ افزایش میزان و بهبود کیفیت گردهمایی های خانوادگی و مدرسه ای؛ تلاش برای گذران میزان بیشتری از اوقات فراغت با اعضای خانواده؛ زمینه سازی مشارکت هر چه بیشتر و طبیعی تر والدین و دانش آموزان در اداره و بهبود امور مدرسه و محیط های آموزشی؛ توجه و مراقبت بیشتر در مورد شکل گیری گونه های منفی سرمایه اجتماعی در ارتباط نوجوانان با همسالان بزهکار و پرخاشجو و پیشگیری از جذب آن ها در فعالیت ها و گروه های خلافکار؛ تلاش برای ایجاد روبه ها، هنجارها و شبکه های لازم اجتماعی جهت تقویت مشارکت های خانوادگی و مدرسه ای، بخصوص شرکت در

فعالیت‌های انجمنی در مدرسه؛ بهبود و تقویت ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر، کادر آموزشی - پرورشی و مشاوران مدرسه؛ تقویت مبانی اعتماد اجتماعی و حس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه و خانواده از طریق مشارکت طبیعی آن‌ها در امور این دو نهاد؛ سرانجام ایجاد نوعی نظام متعادل و کارآ از روابط اجتماعی که توأمان احساس رضایت، تحت مراقبت و حمایت بودن را به شکل خوشایند و مؤثری در دانش‌آموزان برانگیزد.

منابع

- اشنايدر، باربارا (۱۳۸۴) «سرمایه اجتماعی»، ترجمه داوود حیدری، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی (ویژه‌نامه سرمایه اجتماعی)، دوره نهم، شماره ۲: ۵۹ - ۵۴.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- چلبی، مسعود و محمد عبداللهی (۱۳۷۱) «اسکان عشایر از دیدگاه جامعه‌شناسی توسعه»، فصلنامه برنامه و توسعه، دوره جدید، شماره ۱: ۲۹ - ۱۵.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۲) «وفاق اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، شماره ۳: ۲۹ - ۱۵.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نی.
- چلبی، مسعود و صمد رسولزاده اقدم (۱۳۸۱) «آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲: ۵۴ - ۲۶.
- چلبی، مسعود و محمد مبارکی (۱۳۸۴) «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲: ۴۴ - ۳۰.
- زارعی، امین (۱۳۸۳) بررسی عوامل مؤثر بر خشونت دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۴) *آسیب‌های اجتماعی جامعه‌شناسی انحرافات*، چاپ سیزدهم، تهران: آوای نور.

سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۰) «جامعه‌شناسی کجروی»، در: *مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی کتاب اول*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷) *آسیب‌شناسی اجتماعی*، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، چاپ دوم، تهران: سمت.

علیوردی‌نیا، اکبر و دیگران (۱۳۸۷) «سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری»، *پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۲: ۱۳۲-۱۰۷.

غلامعلی لواسانی، مسعود و همکاران (۱۳۸۷) «فراوانی و علل رفتارهای خشونت آمیز در مدارس دوره راهنمایی لرستان: از دیدگاه معلمان، معاونان و دانش‌آموزان»، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، سال ۳۸، شماره ۲: ۱۰۰-۷۷.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵) *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی، چاپ دوم، تهران: حکایت قلم نوین.

فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴) *بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران*، رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

فیلد، جان (۱۳۸۸) *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضوانی، چاپ دوم، تهران: کویر.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷) *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی. گلچین، مسعود (۱۳۸۴) «نقش و اهمیت سازگاری دانش‌آموزان نابینا و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، دوره پنجم، شماره ۱: ۶۶-۵۶.

گلچین، مسعود (۱۳۸۵) «انحراف اجتماعی جوانان در آینه پژوهش‌ها»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۸: ۱۶۰-۱۲۴.

مبارکی، محمد (۱۳۸۳) *بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

ممتاز، فریده (۱۳۸۵) *انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵) «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳: ۹۳-۶۷.
- نصیری، مرتضی (۱۳۸۷) سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر سیاستگذاری عمومی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- وایت، راب و فیونا هینز (۱۳۸۳) «جرم و جرم‌شناسی»، مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی، کتاب دوم، علی سلیمی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- Gatti Uberto, Richard E. Tremblay (2007) "Social Capital and Aggressive Behavior", *European Journal Crime Policy Resserch*, 13: 235-149.
- Granovetter, M. (1973) "The Strength of Weak Ties", *American Journal of Sociology*, 78 (6): 1360-1380.
- Hagan, J (1994) *Society, Crime & Disrepute*, U.S.A: Pine Forge Press.
- Hawdon James & John Ryan (2009) "Social Capital, Social Control, and Changes in Victimization Rates", *Crime & Delinquency*, 55 (4): 526-549.
- Hawkins, Darnell F. (1991) "Inequality, Culture, and Interpersonal Violence", *Interpersonal Violence*, 81-95.
- Leung, Ambrose & J. Stephen Ferris (2008) "School Size and Youth Violence", *Journal of Economic Behavior & Organization*, 65: 318-333.
- Maria Berde Viorina (2002) "Economic Effects of Interventions to Reduce Interpersonal Violence", *Violence in Family*, Harvey Publishing House, London2, p. 34-36.
- Markowitz, Fred (2003) "Socioeconomic Disadvantage and Violence Recent Research on Culture and Neighborhood Control as Explanatory Mechanisms", *Aggression and Violence Behavior*, 8: 145-154.
- Putnam, R. D. (2000) "Bowling Alone: America's Declining Social Capital", *The Journal of Democracy*, 6: 65 - 78.
- Salmi, Venla & Janne Kivivuori (2006) "The Association between Social Capital and Juvenile Crime: The Role of Individual and Structural Factors"; *European Journal of Criminology*, 3 (2): 123 - 148.

- Stone, Wendy (2001) "Measuring Social Capital, Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community life, Research paper", *Australian Institute of Family Studies Research*, No. 24.
- World Health Organization Genev (2004) "World Report Violence and Health In Handbook for the Documentation of Interpersonal Violence Prevention Programmes, Medical Research, Council-University of South Africa", *Crime, Violence and Injury Lead Programme*, Health Policy Unit, London School of Hygiene and Tropical Medicine, World Health Organization.
- Wright Darlene R. & Kevin M. Fitzpatrick (2006) "Social Capital and Adolescent Violent Behavior: Correlates of Fighting and Weapon Use among Secondary School Students", *Social Forces*, 84 (3): 1435 – 1453.
- Wright, John Paul, Francis T. Cullen & Jeremy. T. Miller (2001) "Family Social Capital and Delinquent Involvement", *Journal of Criminal Justice*, 29: 1- 9.

